

# سنت پژوهی

9

علی اکبر رشاد\*  
فصل هفتم

## چکیده

۱  
۲  
۳

اساسی<sup>۱</sup> پژوهی عبارت است از: ماهیت شناسی سنت، روش شناسی احراز صدور سنت یا اعراض از آن و روش شناسی فهم و کاربرد سنت. در این راستا توجه به عنصر هدایت‌گری معصومان و تفکیک سنت فعلی و قولی مثابه دو جهت مستقل و نتایج حاصل از آن در ماهیت شناسی سنت مؤثر بوده و روش‌هایی ساماندهی و کاربرد از قبیل «<sup>۲</sup>»؛ و دیگر شیوه‌ها، سنجش وثاقت،<sup>۳</sup> بنین ترسیم اطلس جامع احادیث و تحلیل اقسام سنت براساس آن، بازوکاوی علمی دعاها، مناجات‌ها و زیارات مأثور و کاربرد آن دریافت معارف،<sup>۴</sup> و گسترش تفسیر سنت از روش تفسیر لفظی به تفسیر براساس شناخت مبنا، محیط و ظروف صدور، موضوع‌شناسی و نگرش تطبیقی و انتقادی بر شیوه احراز سنت و فهم معنا و تفسیر آن تأثیری شگرف دارد.

نوشتار حاضر برای تبیین امور فوق ساختار تفصیلی سنت‌شناسی را در سه بخش متشکل از دوازده فصل ارائه کرده که تدریجاً نگارش و ارائه خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** سنت‌پژوهی، سنت معصوم، فعل هادی، قول هادی، ظرف صدور، احراز صدور سنت، ابراز معنای سنت، نقد متن.

\* هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

## یک

نزول تمام قرآن - که در بردارنده اُسّ دینان و لبّ شریعت است - طی کم‌تر از بیست و سه سال انجام پذیرفته است. اما صدور سنت طی افزون بر سه قرن - از آغاز بعثت تا پایان غیبت صغری به سال - صورت یافته است؛ و اگر قول و فعل نبی اکرم (ص) در پیش از بعثت، کلام و کردار تشریحی حضرت حجت (عج) در عصر ظهور را نیز در زمره حساب آوریم، که چنین است، و فراتر از آن، اگر روا و سزا باشد، به ملاک عصمت، اقوال و افعال هادوی حضرات انبیای سلف (ع) هم - به فرض احراز صدور و عدم نسخ<sup>۱</sup> - حجت قلمداد گردد، عمر صدور سنت بسی از طول عهد تشریح اسلامی فراتر و بلندتر خواهد بود؛ هم از این روست که از جمله کارکردهای بس مهم سنت، بسط شریعت در بستر عینیت است و بسا که سرّ صدور تدریجی و تاریخی سنت نیز همین بوده است.

به‌رغم سیاست جائزانه و جاهلانگی منع کتابت حدیث از سوی برخی فرمانروایان و حوادث و عوامل دیگر که موجب از دست رفتن بخش عظیمی از سنت نبوی و ولوی گردید، اینک آن سنت معصوم در نزد مسلمانان فراهم است ده‌ها برابر آیات قرآنی است؛ این در حالی است که براساس برخی مبانی شیعی حجیت اجماع مانند مبنای لطف<sup>۲</sup> - که حجیت اجماع را به نحوی به تقریر معصوم پیوند می‌زند<sup>۳</sup> - و نیز بر مبنای دخول معصوم در مجمعی<sup>۴</sup> یا کاشفیت اجماع از رأی و رضای معصوم<sup>۵</sup> یا قول او<sup>۶</sup> یا حکایت آن از وجود دلیل خاص نزد مجمعی<sup>۱</sup>، اجماعات نیز در

۱. مانند اقوال و افعالی از انبیاء (ع) که معصوم آن را نقل کرده و به آن تمسک بسته است و چنین احادیثی در منابع روایی ما که با سند موثق نیز نقل شده است کم نیست.

۲. م‌الهدی، سیدمرتضی (۳۵۵-ق)، الذریعه، ج ۳ ص .

۳. میرزای قمی (۱۳۳۱ ق)، قوانین الاصول، ص ..

۴. (۶۰۲-ق)، معارج الاصول، ص ۱۳۱ - آفاضیا، عراقی (۱۳۸۴-۱۳۲۲ ق)، آفاضیا، مقالات الاصول،

ج ۳ ص (۳۸۵-ق)، عدّه الاصول، ج ۱، ص ۸ - محقق حلی. معارج الاصول، ص

نلی (۷۴۶-۶۴۸ ق)، التذکره باصول الفقه، ص ۴ - شهید اول (۷ ق)، ذکری، ص ۴ - ابن‌الشهید الثانی (

ق)، معالم الاصول، ص ۱ - میرزای قمی، قوانین الاصول، ص .

۵. علم‌الهدی، سیدمرتضی، الذریعه، ج .

۶. (۱۱۸۰-ق)، مفاتیح الاصول، ۴۹۶ - مظفر، محمدرضا (۱۱-ق)، اصول الفقه،

زمره سنت محکمه (صادره) یا سنت حاکمه (حدیث) قرار می‌گیرد.

درک درست و کامل معارف قویم قرآنی، سخت حاجتمند سنت است. کارکرد سنت در فهم قرآن منحصر به کاربرد روایات تفسیری - که کم‌شمار و معمولاً فاقد سند قابل اعتماد است، بلکه احادیث بسیاری ما را به روش‌ها، قواعد و ضوابط تفسیر قرآن رهنمون است. سنت عهده‌دار تکمیل و تفصیل، تخصیص و تقیید، تأویل و تحکیم گزاره‌ها و آموزه‌های وحی الهی است، و مهم‌تر از همه این که «معارف» کتاب الله را فقط در «فضای معنایی» معصوم می‌توان فهم کرد و این نکته - که البته نیازمند شرح و بسط درخوری است - مهم‌ترین و ارزشمندترین دست‌آورد تفسیری سنت است.

11

قصه حقوق

۱)  
۲)  
۳)

خلاصه این که: از یک «نجم و حجیت سنت»، مایه غنای مدارک دینی اسلام در قیاس با همه ادیان و دینواره است، از دیگر سو، کارکرد «معناگرا» موجب وضوح و فتوح سند صلی اسلام یعنی قرآن گشته است و از سوی سوم، «صدور تدریجی آن»، به انطباق‌پذیری آموزه‌های شریعت خاتم با شرایط متهافت و متفاوت حیات آدمیان مدد رسانده است، و این سه کارکرد سنت خود از رموز اصلی جامعیت و کمال، وضوح و رسایی، جاودانگی و پویایی شریعت سلام است.

باتوجه به نکات پیش‌گفته، سنت به مثابه دومین حجت الهی، پس از کتاب، سهمی بزرگ و نقشی سترگ در دست‌یابی مفسران دین به گزاره‌ها و آموزه‌های دینی دارد؛ و اگر سنت نبود طور قطع بشر از دریافت دین کامل و درک کامل دین و فهم کمال دین محروم می‌گشت؛ هم از این‌روست که اعلام و ابلاغ ولایت، «کمال دین» و «تمام نعمت»<sup>۲</sup> دانسته شده و سنت عدل کتاب الهی به شمار آمده است که از یک آبشخور سرچشمه می‌گیرند: *أوتیتُ الْكِتَابَ وَ مِثْلَهُ مَعَهُ*<sup>۳</sup>؛ و قرآن و عترت(ع) دو ثقل ماترک حضرت خاتم(ص) نامبردار گشته است که چون دو رود سرشار بر بسیط و بستر حیات بشر جاری‌اند و هرگز از هم‌دیگر جدایی نپذیرند تا آن‌که در محضر ختمی مرتبت(ص) به اقیانوس کوثر بپیوندند.

۱. الاصول، ص .

۲. سورة المائدة ( ) .

۳. احمدبن ( ۲۱ ق) م ص ۱۳۱ سجستانی، سلیمان‌ابن ۹۹۴ ( ۲۷ ق)، سنن ابی‌داود، حدیث .

۴. ابوالحسن مسلم حججاج (۲۶۱ ق)، صحیح مسلم، ج ص ۱۸۷، الرقم مدین عیسی بوغی ترمذی

( ۲۱ ق)، سنن الترمذی، ج ص

سلف صالح ما با درک نکته‌های پیش‌گفته، طی قرون متمادی از هیچ کوششی در تجمیع و تنقیح، طبقه‌بندی و تنسیق، تفسیر و ترویج سنت دریغ نوزید؛ آنان ضمن تمهید مقدمات بسیار و تأسیس دانش‌های گوناگون در زمینه سنت‌پژوهی، صدها اصل، قاعده و ضابطه دقیق و کارساز را در حوزه روایت و درایت حدیث ایجاد نمودند تا امکان احراز صدور و ابراز معنای سنت نبوی و ولوی برای امت میسر گشت.

محدثان بزرگ - سلام‌الله علیهم - با عزمی عظیم به تجمیع و طبقه‌بندی احادیث اهتمام کردند که حاصل آن ده‌ها مجموعه روایی گسترده شد که اینک در دست‌رس ماست؛ علاوه بر مجامع حدیثی اهل سنت، در میان شیعه، حضرات محمدون ثلاث - ندس‌الله اسرارهم - کتب اربعه را سامان دادند: (الکافی، تألیف ابوجعفر محمدبن یعقوب کلینی (۳۲ ق)، من لایحضره الفقیه، تألیف ابوجعفر محمدبن علی بن بابویه قمی، شیخ صدوق (۱ ق)، تهذیب الاحکام، و استبصار، تألیف ابوجعفر محمدبن سن طوسی، شیخ الطائفة (۱ ق))؛ سپس شیخ عارف ریه (۱۰۹۱ ق) وافی را فراهم آورد؛ جناب علامه ریه (۱۱۱۱ ق) نیز به انگیزه بهره‌گیری از فرصت مغتنم قدرت‌یابی شیعه برای جمع و حفظ احادیث موجود، دائرة‌المعارف صدوده جلدی بحارالانوار که از کهن‌ترین دانشنامه‌های جهان به شمار می‌آید پدید آورد؛ هم‌زمان با بحار، وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، به همت محدث متضلع محمدبن حسن حرعاملی ریه (۱۱۰۴ ق) پدید آمد، سپس مستدرک آن با کوشش محدث متبع میرزا حسین نوری ریه (۱۳۲ ق) تدوین گردید.

اما به‌رغم کوشش و کاوش‌های بی‌حدوعد پیشینیان، هم‌چنان سنت‌پژوهی از جهات گوناگونی حاجتمند کارعلمی عمیق و دقیق فراوانی است؛ زیرا از سویی هنوز ابهامات بسیار و اشکالات بی‌شماری در این حوزه ششم می‌خورد و از دیگرسو در روزگار ما دانش‌ها و دیدگاه‌های جدیدی در باب متن‌پژوهی و نقل‌شناسی ظهور کرده است که عطف توجه به آن می‌تواند دست‌آوردهای علمی ارزشمندی در زمینه احراز و فهم سنت داشته باشد. رفع و دفع ابهامات و اشکالات قدیم و جدید و استخدام دست‌آورد علوم و آرای نوپدید در راستای مطالعات حدیثی - و نیز قرآنی - کوشش و جوشش مضاعف محققان متضلع و مستقیم، مبتکر و متهور را

۱. علم‌الحدیث یا علوم‌الحدیث مشتمل بر رشته‌ها یا دانش‌های گوناگونی است از جمله: روایة‌الحدیث، درایة

الحدیث، علم الرجال، الجرح و التعديل، علل الحدیث، غریب الحدیث، مختلف الحدیث و ...

اساسی رهی عبارت است از: « اسی و تقسیمات سنت »  
 «وش شناسی احراز صدور سنت و ضوابط اعراض» ر «وش شناسی ابراز معنای سنت»  
 رسد تعریف‌های ارایه شده از سوی سلف - چنان که ملاحظه خواهد شد - از دقت کافی برخوردار نیست؛ زیرا تعاریف و تعبیر مطرح شده به طور ر چه  
 همان رنه که اکتفا به سندشناسی و اصول و قواعد روایت‌الحدیث و علم‌الرجال نیز -  
 چنان‌که در عرف علمی کنونی مرسوم است - برای احراز صدور سنت یا طرد خبر و اعراض از آن  
 می‌تواند درست باشد؛ هم‌چنین بسندگی به بررسی متن منقول صرفاً براساس اصول و قواعد  
 لفظی، برای فهم معنای مراد معصوم کفایت نمی .

## دو

ر  
 ۳۵  
 ۹

تعریف سنت به ذکر اقسام ثلاثه آن مانند «فِعَالُ النَّبِيِّ (ع) عَلَى ثَلَاثَةِ أَقْسَامٍ: فِعْلٌ وَقَوْلٌ وَاقْرَارٌ  
 فِعَالٌ عَلَى فِعْلٍ»<sup>۱</sup> و «السُّنَّةُ هِيَ قَوْلُ النَّبِيِّ (ص) أَوْ الْأَمَامِ (ع) أَوْ فِعْلُهُمَا أَوْ تَقْرِيرُهُمَا عَلَى وَجْهِ  
 «قَوْلُ الْمَعْصُومِ (ع) أَوْ فِعْلُهُ أَوْ تَقْرِيرُهُ ۳ الْغَيْرِ الْعَادِيَاتِ»<sup>۲</sup> یا «مَا صَدَرَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) مِنْ فِعْلٍ أَوْ قَوْلٍ»  
 چندان دقیق و درست نیست؛ زیرا اولاً شرایط و ظروف صدور قول و فعل از سه ت حضرت  
 معصوم - سلام‌الله علیهم - بسیار متنوع بوده، ثانیاً معصوم دارای شون و حیثیات الهی، سیاسی،  
 انسانی و طبیعی گوناگونی است، از این‌رو اقوال و افعال صادر از سوی آن بزرگواران دارای  
 « و «شأن» و «کاربرد» واحد نیست.  
 هر یک از قول و فعل صادر از معصوم قابل تقسیم به حدود بیست نوع است<sup>۳</sup> و برخی از آن

۱. شیخ طوسی، عدۀ الاصول، ج ص .

۲. فاضل تونی، عبدالله (۱۰۷۱ ق)، الوافیة فی اصول الفقه، الباب الثالث، الفصل الثالث ص .

۳. میرزای قمی، قوانین الاصول، ص .

۴. شیخ انصاری، مرتضی ( ۱۲۱۴ ق)، فرائد الاصول، ج ص .

( ۱۳ ق)، الاصول العامة للفقه المقارن، ص .

۶. در نمودارهای شماره ۲ و شماره ۶ در همین مقاله، انواع هر یک از قول و فعل صادر از معصوم نمایش داده شده  
 ست.



از نوع سنت تشریحی نیست!<sup>۱</sup> زیرا تشریح عبارت است از: «کلام و کردار صادر از معصوم بما هو هادٍ» و همه اقوال و افعال معصومان(ع) از شأن هادوی آنان و به داعی هدایت صادر نمی‌شود؛ «کلام تعلیمی، معصوم که «بما هو عالم» مثلاً به عنوان تطبیق حکم بر موضوع یا تطبیق کلی بر جزئی یا بازگویی معنی لغوی یک لفظ، از سوی او شرف صدور می‌یابد تشریح قلمداد نمی‌شود؛ تصرف معصوم به اقتضای امامت، صدور کلام و کردار از معصوم «بما هو حاکم» که به انگیزه حکومتی و مطابق ظروف موقت و موقعیتی عصری صادر می‌گردد . . . . .

«بما هو قاضٍ» نیز جز به صدور حکم قضایی درباره مورد قضاوت بر چیزی دلالت نمی‌کند کلام و کردار معصوم «بما هو مُسَلِّم» و از باب تعبد و امتثال حکم عبادی که پیش‌تر از آن نیز مکلفین به آن آگاه بوده‌اند و هیچ بر معلومات و تکالیف آنان نمی‌افزاید، چنین جلیات و عادیاتی که «بما هو حیُّ بشرٌ» و در مقام تمشیت امور عادی و شخصی بر زبان می‌راند و انجام می‌دهد، هرگز در زمره سنت تشریحی قرار نمی‌گیرد<sup>۲</sup> همان‌گونه که قول یا فعل عبادی «اختصاصی» معصوم نیز سنت به شمار نمی‌رود و مدلول آن قابل تعمیم به غیر نیست. ضمن این که کلام و کردار تشریح و شرعانی معصوم نیز همه از نوع تأسیسی نیست، و چه بسا کلامی برای تبیین حکم ابلاغ شده پیشین، یا تأویل کتاب، یا تنفیذ حکم و حکمت واصله، یا تأکید بر احکام عقلی و شرعی موجود، یا نسخ حکم قبلی از ساحت معصوم صادر شده . . . . .

بنابراین تعریف‌های ارایه شده هرگز مانع نیست و افزودن عبارت «فی مقام التشریح» عدم جامعیت و مانعیت تعریف مشهور را مرتفع نمی‌سازد؛ زیرا سنت علاوه بر اشمال بر تشریح احکام شرعی، دربردارنده گزاره‌های لاهوتی (که متعلق ایمان دینی است: عقاید) و گزاره‌های غیرلاهوتی (قضایای علمی) و آموزه‌های خُلُق‌ی و آموزه‌های تربیتی نیز می‌تواند ادعیه،

۱. البته اگر دلالت بر اباحه‌ی ترک و فعل را نیز تشریح بدانیم، کلمات و کردارهای بیشتری وجه تشریحی - هرچند به نحو کلی و ثانوی - پیدا می‌کند، اما در تشریحیت و حکمیت اباحه جای بحث بسیار است.

۲. مانند تعبیر رسول اکرم(ص): «مَنْ أَحْبَبَ أَرْضاً مِيتَةً فَهِيَ لَهُ» (بنا به یک احتمال).

۳. مانند قول نبی اکرم(ص) در پی شکایت هند، همسر ابی سفیان که فرمود: «خذی، لک ما یکفیک بالمعروف» (یک احتمال).

۴. مانند اقامه صلوات یومیه در امتثال امر «اقم الصلوة».

۵. مانند اکل و شرب و نوم و استیقاظ و . . . . .

۶. مانند وجوب تهجد، اباحه وصال، و نکاح افزون بر چهار زوجه دائم به صورت هم‌زمان.

مناجات‌ها و زیارات مأثوره به طور نطع جزئی از سنت معصوم است، اما اطلاق تشریح به همه این‌ها دور از مسامحه نیست. قید «الغیر العادیات»<sup>۱</sup> نیز گره از کار فرو بسته تعریف سنت نخواهد گشود، زیرا - چنان - آنچه از دایره تعریف باید خارج گردد فقط جبلیات و عادیات . . . م‌چنین آوردن قیودی مانند «من غیرالقرآن»<sup>۲</sup> یا «الأ ماختصّ به» . . . نیز برای دقیق‌سازی تعریف کافی نیست.

آن‌ته گفته شد، ما عبارت زیر را به عنوان تعریف سنت پیشنهاد می‌کنیم: «ما صدر عن المعصوم دالاً علی رأیه بما هو هادٍ». شرح مزایا و دقایق نهفته در تعریف پیشنهادی را به تفصیل بحث و امی گذاریم.

### سه

یکی از مدارک و دوال بسیار مهم اما مغفولی که می‌تواند کاربرد فراوانی در فهم دین به ویژه حکمت عملی آن داشته باشد سیره و فعل هادوی معصومان - سلام‌الله‌علیهم - است؛ متأسفانه آن‌چنان که درخور این حجت الهی بوده به ثبت و حفظ و شناخت و فهم آن پرداخته نشده و در مقام استنباط نیز آن‌گونه که باید و شاید مورد اعتنا قرار نگرفته است. برای درک ماهیت سنت فعلی، و طرق احراز آن، و اصول و قواعد ابراز معنای فعل هادی نیازمند تحلیل فلسفی روان «فعل» و مبادی تصویری و تصدیقی آن هستیم. به عنوان طرح مدعا، به اختصار در این‌جا به برخی مباحث مهم اشاره کرده، تبیین و توجیه کامل آن را به تفصیل تحقیق موکول :

یک) افعال اختیاری آدمی بر دو قسم است:

آن‌چه با وساطت آلات جسمانی (عضله و عضو) صورت می‌بندد، مانند: گفتن و نوشتن، که

۱. میرزای قمی، قوانین الاصول، ص .

۲. حکیم، محمدتقی، الاصول‌العامة، ص .

۲. همان.

۴. پاره‌ای از نکات این قطعه را وام‌دار نظرات حضرت امام خمینی(س) در رساله «طلب و اراده»؛ (طلب و اراده، ترجمه سیداحمد فهری، ص ۱۰۸-۱۰۹). هرچند نکات و نظام آمده در مقاله مانند شمار و چینش «مبادی و مراحل» و «اشتراک فعل ایجاد و امساک در برخی مبادی»، «توجیه دلالت‌گری فعل امساک»، با نظر مشهور فلاسفه تفاوت‌هایی دارد؛ به نظر این کمیته، سامانه پیشنهادی کامل‌تر و دقیق‌تر است.

فعل جوارحی نامیده می‌شود.

آنچه بدون وساطت جرم و جسم تحقق می‌پذیرد، مانند تصورات و اختراعات نفسانی، که فعل جوارحی نامیده می‌شود.

دو برای وقوع فعل اختیاری جوارحی، مبادی چندی بین نفس با فعل و اثر آن، به ترتیب زیر، وساطت می‌:

۱- تصور فعل و اثر آن ۲- سنجش سود و زیان فعل ۲- ترجیح فعل یا ترک - شوق به فعل یا ترک براساس ترجیح ۴- عزم بر فعل یا ترک } حریک عضلات . تحرک اعضاء  
خارج (حصول اثر ) (و در صورت ترجیح ترک) خودداری و امساک.

موارد یک تا چهار، مبادی عزم و مجموع مراحل تا مورد هفت، مبادی فعل است. سه) وجود مبادی عزم و فعل و ترک، همه به علم حضوری ادراک و اثبات می‌شود. چهار) در فعل جوارحی، برخی مبادی جاری در فعل جوارحی جریان ندارد، بلکه وقوع آن مبادی در فعل جوارحی ممکن نیست، زیرا مثلاً نمی‌تواند «تصور» مبدأ تصور قرار گیرد، بلکه نفس، تصور را بی‌واسطه خلق می‌کند؛ نفس نسبت به تصور، فاعل بالعنایه بلکه بالتجلی است. پنج) پاره‌ای از مبادی مانند عزم، فعلی‌اند؛ پاره‌ای دیگر از آن‌ها مانند شوق، انفعالی‌اند. شش) ترک و امساک با عزم و اقدام، در اکثر مبادی با هم مشترک‌اند، زیرا همه مبادی پنج برای تحقق ترک نیز، صورت می‌بندد، در نتیجه ترک (خودداری و «نکردن») با انتراک (ناشده) تفاوت دارد؛ ترک در حقیقت عبارت است از عزم آگاهانه و آزادانه بر عدم تحریک عضلات و بالتبع عدم تحرک اعضا.

( جه به نکته بالا، حرکت و ترک آن، هر دو نوعی واکنش در قبال مبادی مشترک به شمار می‌روند و هر دو خودآگاهانه و خودخواسته‌اند، پس هر دو مراد و مخلوق نفس فاعل یش‌اند و از این‌رو معنادار بوده و از رأی و رضای مرید و فاعل خود حکایت می‌. شت) محکی و مدلول حرکت و ترک، از حیث نوع و حد دلالت و حکایت تابع داعی و وصف و حال فاعل است.

نه) افعال (امساک‌ها و عزم‌ها) گاه مُظَهَّر المبادی‌اند و گاه مُضَمَّر المبادی؛ ترک و حرکت نه مانند فعل‌ها و ترک‌های معتاده و نیامی و سهوی و . . . در زمره افعال مضمّر المبادی‌اند و



باید آن‌ها را در حکم افعال ارادی به شمار آورد.

ده) حرکت و ترک جوارحی غیر ارادی، به دلیل عدم ابتدای آن بر مبادی عزم، در حقیقت فعل و ترک فاعل، (بلکه مطلقاً فعل و ترک) به شمار نمی‌رود و به مسامحه عرفی فعل و ترک نامیده شده و به فاعل نسبت داده می‌شود. از همین رو از فعل به «ما یوجد بَعْدَ أَنْ کانَ مَقْدُوراً» یا «ما حَدَثَ وَ قَدْ کانَ مَقْدُوراً قَبْلَهُ» تعبیر شده است. به نظر ما بهتر است فعل به «ما نُسِبَ الی المرید بَعْدَ أَنْ کانَ مَقْدُوراً» یا «ما کانَ متعلّقَ العزم» تعریف شود.

حرکت غیر ارادی، گاه طبیعی است (که به دو صورت اصلی، مانند تپش قلب، و

رعشه، صورت می‌بندد) و گاه غیر طبیعی است؛ در فعل غیر ارادی، انسان چون ابزار به شمار می‌رود.

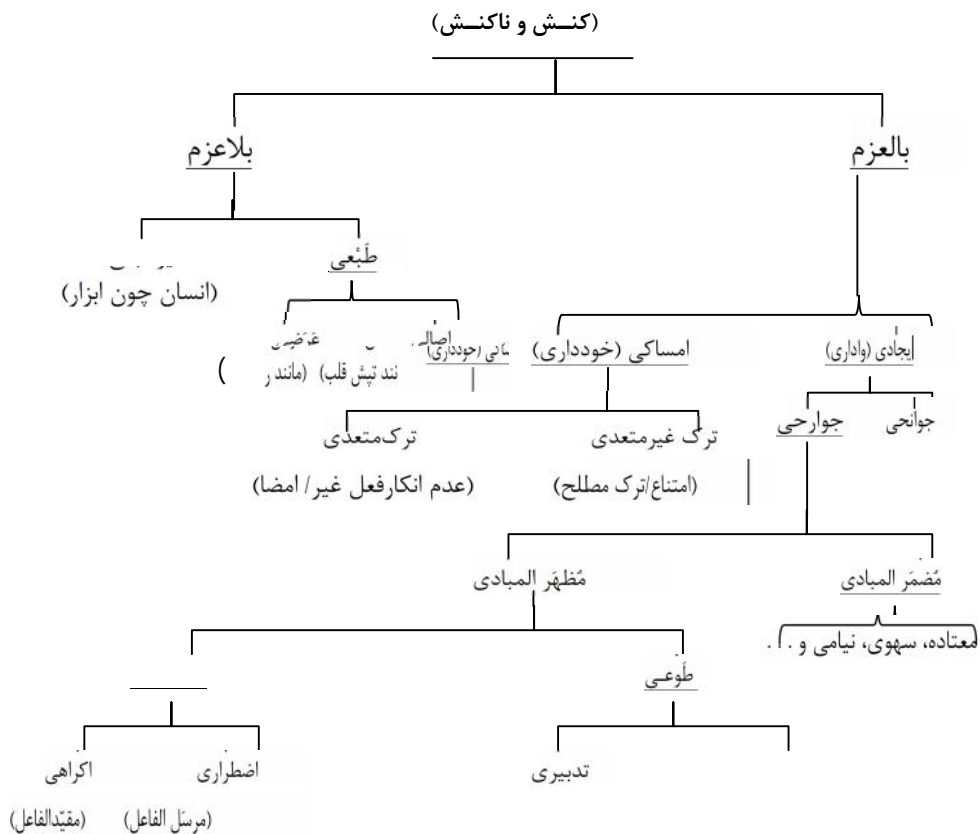
تتمتعون

حرکت و ترک بدون اضطرار و اکراه را «فعل اختیاری» می‌نامیم، از حرکت و ترک غیر ارادی از روی به «فعل اجباری»

انواع فعل (بالمعنی الأعم = کنش و ناکنش) آدمی را، به صورت زیر می‌توان نمودار ساخت:

(نمودار شماره ۱)

۱۷



یازده) اقدام و امساک ارادی معصوم (= افعال سه‌گانه ایجاد، امساک و امضا) از رأی و رضای او دارد، رأی و رضای معصوم «بما هو هادی»، سنت فعلی (فعل تشریحی) است و حجت دینی محسوب می‌گردد؛ اما چنان‌که گذشت - مانند قول معصوم - فعل او «بما هُ» «بما هُو كَأَحَدٍ مِنَ الْعُقَلَاءِ» یا «بما هُو مسلم» «هو حی بشر» در زمره افعال عقلانی - انسانی است. این‌گونه افعال و فعل «امتنالی اختصاصی» معصوم، به لحاظ اولی، سنت تشریحی قلمداد نمی‌شود.

سلوک فردی یا سیره جمعی مشخص، آن‌گاه که در معرض معصوم واقع شود، در صورتی که با فراهم بودن شرایط (از قبیل التفات و اطلاع، بسط ید، عدم یأس از تأثیر، فقدان مصلحت دیگر در ترک انکار . . . از سوی معصوم، و نیز وجود تکلیف، علم، التفات و اختیار از سوی فاعل یا فاعلان سلوک) ردع نشود، حکایت از رأی و رضای معصوم کرده، «فعل امضایی» نامیده می‌شود و جزء سنت فعلی شمرده شده حجت است.

دوازده) تقریر، چیزی جز «ترک ردع فعل غیر» از سوی معصوم نیست، پس اقرار نوعی ترک است و همان‌گونه که ترک جزء فعل قلمداد شده است تقریر نیز باید جزئی از سنت فعلی انگاشته شود و نباید آن را در عرض فعل، نوع مستقلی از سنت به شمار آورد؛ از این‌رو تقسیم سنتی ثلاثی سنت (به قول و فعل و تقریر) چندان موجه نمی‌باشد.

### چهار

ملاک طبقه‌بندی حجج دینی میزان اشتراکات و افتراقات آن هم‌دیگر و از یک‌دیگر است؛ اشتراکات سنت قولی با کتاب الهی بیش از هم‌گونگی‌های آن با سنت فعلی است، از این‌رو اگر قول معصوم به کلام و حیانی ملحق نگردد - به دلیل پاره‌ای افتراقات میان آن دو - دست کم نباید با فعل معصوم، حجت واحد انگاشته شود. به‌نظر ما سنت قولی و سنت فعلی، می‌تواند (بلکه باید) دو حجت مستقل از یک‌دیگر قلمداد گردد، زیرا آن دو از جهات گوناگونی با هم تفاوت دارند و این تفکیک می‌تواند آثار و تبعات علمی و روش ختی قابل‌توجهی داشته باشد. تفکیک میان دو سنت براساس تفاوت‌های آن دو در محورهای زیر قابل طرح و تبیین است:

۱- ماهیت و تعریف آن دو؛ ۲- ادله‌ی حجیت هر کدام ۱- تقسیمات و اقسام آن دو ۴- گستره

کاربرد هر یک؛ ۵- نوع کارکرد دلالتی هر یک، (مثلاً امکان اطلاق‌گیری از «قول» اما لزوم اکتفا به قدر متیقن در دلالت « » ) روش‌ها و قواعد کاربرد آن دو طرق احراز هر یک روش‌های ابراز معنای هر کدام؛ ۹- ضوابط و شرایط صحت و کارایی هر یک و مناسبات آن دو با مدارک دیگر؛ ۱۱- موانع کاربرد هر کدام آسیب‌ها و یگانگی تقریر با فعل - که در بند قبل به آن اشاره نیز می‌تواند با تکیه بر وجوه اشتراک « » و «ترک» و « » در هر زمینه‌های یاد شده توجیه گردد.

بدیهی است این پیشنهاد (تفکیک دو سنت) نیازمند بررسی و تبیین بیشتری است که به ناچار شرح آن را به تفصیل تحقیق موقوف می‌نمایم.

19

## توضیحات

### پنج

در باب طرق احراز صدور سنت و قواعد اعراض از قول و فعل منسوب به معصوم، کاستی‌های بسیار و بایسته‌های بی‌شماری به چشم می‌خورد.

بسندهی به روش «ی» در وثاقت‌سنجی سنت، عدم اهتمام کافی در کاربرد روش «متن» در ارزیابی وثاقت اخبار، بالتبع عدم تبیین مبانی این روش و فقدان انسجام روشگانی در قواعد و ضوابط تشکیل‌دهنده آن؛ همچنین عدم بحث و بررسی درخور درباره پاره‌ای از قواعد و قرائن احراز مانند «رویه عقلائی» صل به عهد عصمت و «سیره متشرعه» متصله و «ارتکاز متشرعه» محرزه، و... از جمله این کاستی‌ها است.

شیاع پاره‌ای مشهورات نه چندان قابل دفاع، از قبیل: «ظنی الدلالة بودن» کتاب و «ظنی السند و قطعی الدلالة بودن» !! «نیه‌انگاری افراطی» در وجه صدور احادیث، «تسامح در ادله‌ی سنن» - که برداشت غلط و کاربرد نادرست آن چه بسا موجب سهل‌انگاری در حفظ سند و نص اقوال و افعال دال بر سنن گشته است - همچنین غفلت از کارکرد علمی و مرجعیت معرفتی ادعیه، مناجات‌ها و زیارات مأثوره و اذعان ضمنی و عملی به عدم حجیت این بخش از سنت معصوم، و گاه مسامحه در جعل دعا و زیارت و در نتیجه اختلاط مجعولات و مأثورات! گوشه‌ی دیگر از قصور بلکه تقصیر علمی ما میراث‌بران ثقلین است.

رفتارهای زیان‌بار حدیث‌گرایان و اخباری مسلکان نیز (رفتارها و پندارهایی چون صحاح انگاشتن احادیث مندرج در کتب اربعه به تقلید از صحاح‌انگاری کتب سته از سوی اهل سنت!) که

همگان بر خسارت‌های معرفتی ناشی از آن واقف است‌های علمی اعصار قریب به عهد معصومین و صحابیان آنان را به باد داد.

به نظر ما روش « متن »، هم در وثاقت‌سنجی هم در ماهیت‌شناسی قول و فعل معصوم و هم در معنایابی سنت می‌تواند کاربرد کارسازی داشته باشد، زیرا با ارزیابی و سنجش متن گاه می‌توان پی برد که قول و فعل صادر از معصوم آیا از نوع تشریحی است یا تدبیری و در صورت شناخت ماهیت نوعی قول یا فعل، چه قسمی از آن دو نوع (تشریحی و تدبیری) است، چنان که بسا با کاربست روشگان نقد متن، صدور و عدم صدور یا دست کم عدم وثاقت خبر مشخص می‌گردد. باید با بهره‌گیری از نکات دقیق و انیقی که در تحقیقات سلف به چشم می‌خورد و با وام‌گیری از یافته‌های جدید و استقرا و استقصای کافی، «پیش‌انگاره» - «زیرساخت» بی آن، «قواعد» و «ضوابط» این روش، منقح، مضبوط و مدون گردد. مثلاً درباره قاعده «خُذْ بِمَا خَالَفَ» باید بررسی شود که خود این عبارت، در چه ظرف تاریخی و اجتماعی از لسان مبارک معصوم (ع) صادر شده است و نیز باید بررسی و روشن شود که مورد اخذ به این قاعده، احادیث صادر از کدام معصوم و در کدام مقطع تاریخی است؛ زیرا شرایط همه ائمه - سلام‌الله‌علیهم - و همه شرایط امامان (س) شرایط تقیه نبوده است، هم‌چنین در تمام ادوار، مذهب کلامی و فقهی واحدی حاکم نبوده است. مصداق « نف » متغیر است و بسا که « یک عهد و عصر با » « همد و عصر دیگر متفاوت باشد! به این ترتیب، خلاف و وفاق، نسبی خواهد بود. ضمن این همه حوزه‌های معرفتی و همه موضوعات علمی

آیا ضابطه بسیار مهم «عَرَضَ عَلَيَّ الْكِتَابَ» نباید منقح گردد و تفصیل یابد؟ آیا نمی‌توان قواعدی مبتنی بر عرض حدیث ب « « ضروری دین»، «مقتضای مسجّل فطرت» » قطعی علوم، «تاریخ و نقل مسلم، و . . . تأسیس کرد؟ آیا نمی‌توان با سنجش مضمون متن منسوب به یک معصوم با مقتضیات و قراین ظرف تاریخی، سیاسی، اجتماعی، زبانی، عرفی و جغرافیایی صدور، نسبت به صدور یا عدم صدور آن مطمئن شد؟ به نظر ما گاه می‌تواند چنین باشد؛ اگر مدعای متن آشکارا با ظروف صدور خود متعارض باشد آیا می‌توان به درستی نسبت آن به ساحت معصوم اطمینان حاصل کرد؟ آیا نباید جهات و نکاتی از این دست را قاعده‌مند و مضبوط ساخت و در احراز و ابراز سنت به کار بست

برای رفع بسیاری از ابهامات و روشن‌ساختن ماهیت و هویت قول و فعل منسوب و وضعیت

صدور اقوال و افعال معصومان(ع) باید با حضور و همکاری کارشناسانه و صبورانه جمعی از متخصصان و مجتهدان حوزه‌های پنج‌گانه معرفتی دین، صاحب‌نظران داراییه الحدیث و روایه الحدیث، و نیز محققانی در تاریخ اسلام و جغرافیای جهان اسلام و تخصص‌های لازم دیگر، «اطلس جامع احادیث»<sup>۱</sup> تهیه گردد؛ هر چند چنین پیشنهادی بس دشوار، حوصله بز و پرهزینه است اما به خاطر ثمرات فراوان و ارزشمند آن در زمینه احراز صدور و ابراز معنا و طبقه‌بندی احادیث، اجرای آن بسیار ضروری می‌باشد.

چسان می‌توان پذیرفت که وحی به الهی یکسره «ظنی الدلاله» است؟ آیاتی چون «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ»<sup>۲</sup> «الم کتابٌ أَحْكَمْتُ آيَاتُهُ ثُمَّ فَصَّلْتُ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ خَبِيرٍ»<sup>۳</sup> «هذا بيانٌ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ»<sup>۴</sup> و «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ»<sup>۵</sup> چنین انگاره‌ای را ابطال می‌کند. اگر این گمانه صحیح و صائب باشد پس سنجش اعتبار حدیث براساس قاعده «عَرْضَ عَلَيَّ الْكِتَابِ» چه وجهی دارد؟ و با جزمیت روایاتی هم‌چون «ما وافقَ الْكِتَابَ فَخُذُوهُ وَ مَا خَالَفَهُ فَدَعُوهُ»<sup>۶</sup> چه باید کرد؟ همچنین با توجه به قلت روایات تفسیری و ضعیف‌السند بودن اکثر آن اگر قرآن به طور مطلق ظنی‌الدلاله انگاشته شود آیا به این معنی نخواهد بود که از وحی‌نامه الهی هیچ مطلب قطعی فراچنگ نخواهد آمد! مگر فلسفه نبوت و نزول وحی، ایقان و ایمان نبوده است؟<sup>۷</sup> آیا فراخوان مردم به یقین و ایمان در متن این همه آیات، دعوت عبثی است؟ حقیقت نباید تاوان برداشت‌های خطا و خلاف کج‌اندیشان را بپردازد و خلط و غلط جاهلان و منحرفان در فهم کلام الهی هرگز می‌تواند دلیل ظنیت دلالتی کتاب باشد.

آیا به‌راستی تمام احادیث ظنی‌السند است و یا به طور مطلق قطعاً الدلاله است؟ و آیا

۱. مراد تعیین مختصات محیط و ظروف صدور سنت قولی و سنت فعلی منقول در جوامع حدیثی، براساس مطالعه بینارشته‌ای چند تخصصی است.

( ) : و .  
هود ( ) :

آل‌عمران ( ) :

النحل ( ) :

( ۱ق )، وسائل‌الشیعه، ج ۱۸: ابواب صفات القاضی، ب و و و ۱ و ...

۷. آیاتی مانند: یدبر الأمر یفصل الآیات لعلکم بقاء ربکم یوقنون (الرعد ۱۳: ۲)، هذا بصائرٌ للنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِقَوْمٍ یوقنون (الجاثیه ۱) : ( ) .

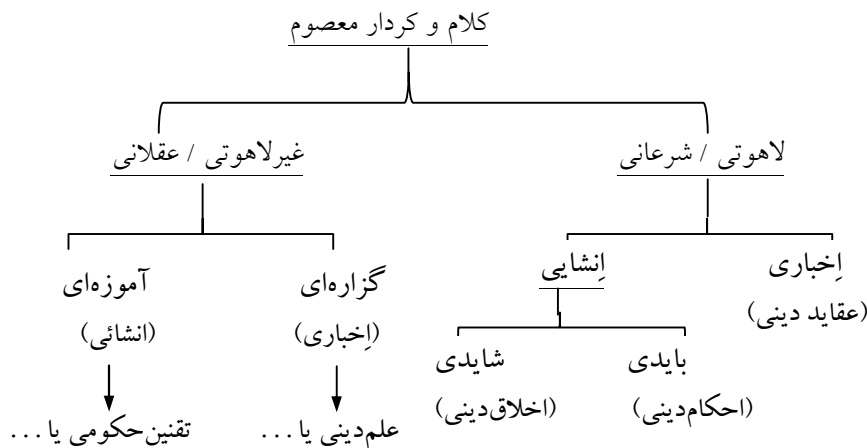


کسی تبعات چنین اطلاق‌هایی را می‌پذیرد؟

ادعیه، نجوانامه‌ها و زیارات مأثوره باید به روشی علمی و اجتهادی مورد بازنگری قرار گیرد؛ این‌ها بخش عظیمی از میراث معرفتی ما را تشکیل می‌دهد. اشتغال ادعیه و مناجات‌ها و زیارات بر معارف گرانبهایی که در سایر انواع سنت یافت نمی‌شود (به ویژه در زمینه مباحث الهیات جدید)، وثاقت اسناد بخشی از آن صراحت دلالتی و عمق معنایی مجموعه این میراث مبارک، بایستگی این بازنگری را دو چندان می‌سازد.

از جمله خطاهای علمی زیان‌باری که در قلمرو سنت‌پژوهی روی داده است عدم تحفظ بر کار و رفتار علمی - از آن‌سان که در باب احادیث فقهی صورت بسته - درباره احادیث کلامی، علمی، اخلاقی و تربیتی است! کلام معصوم در حوزه‌های مختلف معرفتی همگی مشتمل بر معارف بلند و ارجمندی است و بی‌هیچ تفاوتی یکسره میراث مغتنم رسالت و ولایت به شمار می‌رود، و متن صادر، معطوف به هر حوزه معرفتی که باشد، از حیث حجیت دارای ارزش و اعتبار یکسانی است و هیچ‌گونه تعلل و تقصیری در احراز صدور و ابراز معنای هیچ یک از انواع کلام و کردار معصوم، از هیچ

اقسام کلام و کردار معصومان رابه لحاظ ساختار مضمونی به صورت زیر می‌توان طبقه‌بندی کرد:



به دلیل چندگونگی مفاهیم تربیتی، گزاره‌ها و آموزه‌های مربوط به حوزه تربیت، در میان گونه‌های مختلف کلام و کردار معصوم، مندرج و منتشر است.

## شش

هر چند سلف - قدس الله اسرارهم - در باب «دلالت پژوهی» ر «روش‌شناسی ابراز معنای» سنت رنج بسیار برده‌اند و گنج گران‌بار نهاده‌اند و نمی‌توان در ارزش میراث بازمانده از پیشینیان ذره‌ی تردید نمود؛ اما در گذشته اولاً در شیوه‌پردازی و قاعده‌گذاری برای فهم و کاربرد «هادی» کوشش کافی صورت نگرفته است، ثانیاً برای فهم سنت قولی نیز به طور عمد به ت س و تنسیق قواعد و ضوابط لفظی بسنده شده است.

در دلالت پژوهی و معناشناسی سنت، علاوه بر درک «مفهوم» مفهوم‌های متن (که می‌تواند اعم از «مراد ماتن» باشد) باید از رهگذر احراز انطباق مفهوم (یا یکی از مفاهیم) متن با «اراده جدی متکلم»، مراد ماتن کشف گردد، سپس ماهیت کلام (که آیا شرعانی و تشریحی است یا عقلانی و تدبیری) تعیین شود؛ و چنان که اشارت شد از آن کلام یا کردار شرعانی و تشریحی، دارای اقسام گوناگونی است (رک: جدول شماره ۲) پس از تعیین شرعانیت، نوع سنت نیز باید مشخص گردد.

کشف معنای مراد ماتن با کاربست قواعد و ضوابط ادبی و لفظی، از دیرباز رایج‌ترین روش تفسیر متن بوده است؛ بی‌شک این روش مطمئن‌ترین و کارآمدترین راه برای فهم سنت قولی است اما اولاً فرآیند فهم سنت (مفهوم‌پژوهی ← مرادیابی ← ←) کاربرد قواعد و ضوابط لفظی میسر نمی‌گردد، بلکه فقه‌الحديث علاوه بر روش لفظی ادبی، حاجتمند طراحی روش‌ها و اسلوب‌های دیگری است که با کاربرد هر یک زاویه‌ای از سنت فهم شود یا درک زوایای فهم شده تنقیح و تحکیم گردد؛ ثانیاً روش لفظی سخت نیازمند بازپژوهی، بسط و بازآرایی است؛ مجموعه عناصر پدیدآورنده این اسلوب باید برابر مبنا و منطقی روشن تفکیک و طبقه‌بندی شود، زیرا اصول و قواعد و ضوابط مطرح در آن به جهاتی گوناگون با هم‌دیگر متفاوت است.

پاره‌ای از اصول و مبادی، هم‌چنین قواعد و ضوابط، مختص فهم متن مقدس است، مانند اصل خطانایپذیری و سازواری، و برخی دیگر عام است و در متن دینی و غیردینی قابل طرح است، اصل معناداری؛ همان‌گونه که برخی از قواعد و ضوابط لفظی مربوط به مفردات و بعضی دیگر معطوف به مرکبات (عبارت) و پاره‌ای از آن‌ها متعلق به جمله است، و برخی دیگر از اصول، قواعد و ضوابط ناظر به ساختار کل متن است، مانند اصل نظام‌وارگی مدعیات.

علاوه بر موارد بالا، مؤلفه‌های اسلوب لفظی، از حیث دیگر نیز قابل طبقه‌بندی است، از جمله این که پاره‌ای از آن «وضع طبیعی و اولی» است و مقابل آن، خلاف وضع اولی است، طبعاً آن وضعیت، وضع راجح و وضع مقابل آن وضعیت مرجوع به شمار می‌رود، مانند «اصالة الحقیقه» در وقت نبود تجوز. از این رو شایسته است که از این قسم به «ا» تعبیر شود؛ برخی دیگر هم چون قانونی الزام‌آور است که تخطی از آن، «حکمت زبان» و «وضع» را مخدوش و نظام و انتظام مخاطبه را مختل می‌سازد، و به خاطر همین کارکرد، بهتر است از این گروه به «قواعد» تعبیر گردد، مانند لزوم جعل قرینه به هنگام استعمال لفظ در غیر معنای حقیقی؛ گروه سوم نیز حکم مناط و ممیز را دارد و اولی آن است که آن را «ا» ، مانند «تبادر و انسباق» عنوان علامت احراز معنای حقیقی.

با توجه به اختلاف آرا و تلقی‌ها درباره بسیاری از اصول، قواعد و ضوابط، تنوع حیثی برخی از آن بین سرشت و کارکرد همه آن‌ها - آن‌سان که همه نیز بپذیرند - آسان اما امری ممکن و بس مفید بلکه لازم است.

چنان‌که اشاره شد، علاوه بر لزوم بازپژوهی و بسط اسلوب فهم لفظی سنت، اسلوب‌ها و روش‌های دیگری نیز باید تأسیس و تنسیق گردد که مفسر را در ابراز مراد شارع توانا تر ساخته، میزان دقت، وسعت و عمق فهم متن را افزایش داده، احتمال خطا و خلاف را در معرفت دینی کاهش دهد. از باب نمونه، در زیر به برخی روش‌ها و اسلوب‌ها اشاره می‌شود:

**الف. روش مبناشناختی:** مراد، منظور داشت لوازم و اقتضائات پیش‌انگاره‌هایی است که هم‌چون اصولی راهنما جهت‌بخش فهم ما از سنت است. این اصول از مبادی زیر که دلالت و حجیت سنت را توجیه می‌کند اصطیاد می‌شود:

- اوصاف و شئون مصدر سنت (معصوم)

۲- مختصات هویتی و ساختاری قول و فعل مقدس

«ل عام» متن و فعل، «حصایص متن مقدس و فعل معصوم» ریز جایگاه و

کارکرد سنت در شبکه دوال و حجج دینی.

فهرست فشرده پیش‌انگاره‌ها در ادامه مقاله، ضمن ساختار تفصیلی، (ص) آمده است. مقاله

«نهادهای پایه در فهم قرآن» شرح کاربرد این روش در تفسیر کتاب است.

**ب. روش محیط‌شناسی صدور:** فهم هر گفتار و رفتاری بستگی نسبی به شناخت و لحاظ ظرف (یا ظروف) صدور آن دارد. سنت قولی و سنت فعلی از این قاعده مستثنا نیست؛ اگر متنی در پاسخ به یک پرسش یا ناظر به کلام یا کرداری خاص صادر شده باشد، توجه به آن پرسش و آگاهی از آن کلام و کردار شرط فهم آن متن است، زیرا اسباب‌الصدور، مانند اسباب‌النزول، می‌تواند نقش قرینه مقامیه را در فهم متن ایفا کند، مثلاً عبارت «الجارُّ ثم الدار» کبار از ساحت حضرت ختمی مرتبت(ص) و بار دیگر از محضر حضرت زهرا(س) صادر گشته است، اما نبی‌اکرم(ص) آن را در پاسخ به کسی که از او درباره خرید منزل و انتخاب محل س

25

تتبع

۱)

مشورت خواسته بود فرمود ۳۷ و حضرت زهرا(س) در جواب امام حسن(ع) آن‌گاه که دیده بود مادر شبی تا سحر غرق مناجات بود اما برای خویش هیچ دعا نفرمود، بر زبان رانده بود. روشن است آگاهی از زمینه صدور عبارت فوق بر درک دقیق معنی آن در دو وضعیت، می‌تواند بسیار

درک محیط تاریخی و شرایط اجتماعی صدور نیز می‌تواند تأثیر بسزایی در فهم صائب کلام داشته باشد؛ این آ‌ا کلام در موقعیت حاکمیت و بسط ید معصوم صادر شده است که «تدبیری» بودن آن نیز محتمل باشد یا در وضعیت قبض ید او و این‌که اوضاع سیاسی زمان صدور (ا. حیث افتتاح یا انسداد فضا) چگونه بوده است و نیز این‌که کلام در عهد استیلای کدام خلیفه و خاندان، یا در دوران سیطره و رسمیت کدام مذهب کلامی و فقهی بیان شده است در تشخیص احتمال تقیه و عدم آن، و نیز مصداق موافقت و مخالفت با عامه بسی کارساز است؛

توجه به ظرف زمانی صدور نیز اهمیت خاصی در فهم درست متن دارد، زیرا معنی واژگان و تلقی از مرکبات به مرور زمان دچار نقل و تطور می‌شود، یک کلمه یا ترکیب، در زمانی مفهومی را تداعی می‌کند و در زمانی دیگر مفهومی دیگر را، از این‌روست که فهم معنای مراد از متن، گاه در گرو کشف معنای منسب و «مستعمل فیه» در ظرف استعمال مفردات و مرکبات آن متن خواهد بود؛ گاه یک جمله در یک دوره به صورت ضرب‌المثل (زبانزد) به کار می‌رود که فهم آن و معنی

۱. رشاد، علی‌اکبر، فلسفه دین، ص ۸۳ تا ۱۴۰، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.

متن حاوی آن، کاملاً نیازمند درک معنی و مورد کاربرد آن زبانزد است؛ همان‌گونه چیزی در عرف یک زمان یا مکان پسندیده و در عرف زمان و مکان دیگر ناپسند انگاشته می‌شود و گاه ممکن است سخن یا سیره معصوم ناظر به یکی از عرف‌ها صادر شده باشد و که در این صورت درک آن سخن و سیره با درک چنین خصوصیتی پیوند می‌خورد.

گاه رابطه خاصی میان مضمون کلام و موقعیت جغرافیایی یا اقلیمی صدور وجود دارد، از این‌رو فهم آن کلام مشروط به توجه به این خصوصیات است؛ چنان‌که علامه بهبهانی (ره) از محاوره خود و مردی اخباری حکایت می‌کند که پرسیدم: قبله را چسان می‌یابی؟ او گفت: طبق خبر که آمده است «صَعِ الْجُدَى عَلَى يَمِينِكَ»، گفتم: اگر موقعیت جغرافیایی شهر زندگی سائل با تو متفاوت باشد چه؟ گفت: من به کلام معصوم اخذ می‌کنم، اگر بنا باشد یکی خطا باشد آن حتماً کلام معصوم نیست!!

سطح علم و درک، هم‌چنین نوع بیش و گرایش مخاطب یا مخاطبان مجلس صدور، می‌تواند در فهم صحیح و صائب کلام دخیل باشد. در این‌که آیا مخاطب کلام، زواره معتقد و مجتهد بوده است یا یک «عامی» عامی، تفاوت بسیار است و این تفاوت بر مراد و نوع کلام صادر سخت تأثیرگذار است.

آیا لحاظ روش‌مند و مضبوط این مختصات متنوع مقام و محیط صدور نمی‌تواند و نباید به صورت روشی مستقل در فهم سنت به کار گرفته شود؟ و این همه آیا کم‌تر از لفظ‌کاوی و کاربرد روش لفظی در درک مفاهیم متن و کشف مرادات ماتن به کار می‌آید؟

**ج. روش موضوع‌شناختی:** هر حوزه معرفتی دارای خصایل و خصایصی است که درک متن

ناظر به آن، جعل و کاربرد مجموعه خاصی از اصول، قواعد و ضوابط را اقتضا می‌کند؛ چنان‌که ناچار استنباط اقتصاد دینی از متون مقدس با استخراج سیاست دینی از آن دارای تفاوت‌هایی است و هکذا... به این جهت، منظور داشت موضوع متن با توجه به تنوع فراوان آن می‌تواند در فهم روش و اسلوبی مستقل سامان یابد و در کنار سایر روش‌ها به کار می‌شود.

**د. روش تطبیقی انتقادی:** مدارک و دوال دینی، علاوه بر برخورداری از خصلت معناداری و معنادهی، در یک فرآیند حلقوی متناوب و در چارچوب داد و ستدی روش‌مند، به معناگری



(تنقیح، تدارک و تکامل معنای) مدارک دیگر نیز می‌پردازد؛ تمام دین و دین تمام فقط با کاربست متناظر تمام مدارک دینی فراچنگ می‌آید. فهم سنت نیز منحاز و منفک از فطرت، عقل و کتاب ممکن نیست؛ استنطاق دقیق سنت قولی و فعلی محتاج استفسار از (و سنجش با) حجج دیگر است و بالعکس.

درخور ذکر است که:

۱- ما مدعی نیستیم روش‌ها و اسلوب‌های احراز صدور و ابراز معنا منحصر به موارد مذکور در این مقاله است، بلکه اسلوب‌ها و روش‌های دیگر که معطوف به درک تمام دین است . در

27

تتمت

تفسیر سنت ملحوظ گردد، مانند روش مخاطب نی؛ یعنی این‌که بدون لحاظ مقتضیات خصا بشری مخاطب، نیز ظرفیت‌ها و محدودیت‌های او (در مقام تفهم دین به عنوان مفسر و در مقام تحقق دین به عنوان مکلف)، هرگز فهم درست و دقیق دین دست روش‌های عام.

۱)  
۲)  
۳)

هر یک از روش‌ها، ساخته پاره‌ای مبانی و پرداخته تعدادی از قواعد و نیز برساخته برشماری ضوابط است طرح و شرح همه آن‌ها در این گفتار کوتاه - که چونان درآمدی است بر مبحث گسترده سنت‌پژوهی - مقدور نخواهد بود و به ناچار تفصیل ظرافت و طرافت هر یک را به مفصل تحقیق حواله می‌.

۳- اینک به عنوان رایه شمایی از آنچه در باب تحقیق در سنت معصوم باید صورت گیرد و اکنون در دستور کار این ناچیز است، ساختار مباحث اصلی سنت‌پژوهی را فهرست‌وار تقدیم نموده و از بارگاه احدی توفیق عرضه کامل پژوهش را درخواست می .

## ساختار تفصیلی سنت‌شناسی

### بخش نخست - کلیات

درآمد: تگی‌ها و بایستگی‌های سنت‌پژوهی.

#### فرع (۱)

۱- معانی سنت در لغت

۲- اطلاعات سنت در قرآن

۳- اطلاعات سنت در حدیث.

#### فرع (۲) تعاریف سنت:

۱- تعریف سنت در نزد محدثان

۲- تعریف سنت در نزد متکلمان

۳- تعریف سنت در نزد اصولیان

۴- تعریف سنت در نزد فقیهان.

#### فرع (۳) مصادر سنت:

۱- مصادر سنت در نزد اهل سنت و فرق غیرامامی

۲- مصادر سنت در نزد شیعه امامی.

#### فرع (۴) نقد تعاریف سنت و ارائه تعریف مختار:

۱- نقد تعاریف سنت

۲- تعریف مختار (ما صدر عن المعصوم دالاً علی رأیه بما هو هاد)

۳- شرح دقایق و مزایای تعریف مختار.

#### فرع (۵) مبانی و دلایل لزوم تفکیک سنت قولی و سنت فعلی به مثابه دو حجت مستقل.

#### فرع (۶) آثار و فواید

### بخش دوم - سنت قولی (قول هادی)

درآمد:

#### فصل یک - ماهیت و اقسام سنت قولی:

#### فرع (۷) انواع قول (علی‌الاطلاق) صادر از معصوم:

نمودار شماره ۲، انواع قول صادر از معصوم را با لحاظ حوزه‌های موضوعی و معرفتی پنج

و از حیث ماهوی و با توجه به کارکرد انواع، نشان می‌دهد. از باب نمونه، انواع قول معصوم در

«حوزه احکام»، در این نمودار تفصیل یافته است.

(نمودار شماره ۲)

29

تصویر

۱  
۲  
۳

فرع ۸) تعرف سنت قولی (ما صدّر عن المعصوم هادياً، من لفظٍ او كتابه).

فرع ۹) اقسام سنت قولی:

شرح تقسیمات قول هادی به عبارات مختلف از جمله: ۱- مصدر (نبوی / ولوی) ۲- محتوی و موضوع (حکمی، خلقی، حکمی، علمی، تربوی یا علمی / عملی)؛ ۳- حیث صدور و کارکرد ( / )؛ ۴- وجه کارکرد (وجوب و ندب، ...); ۵- میزان رسایی دلالت (نص، غیرظاهر)؛ ۶- ساختار دستوری (اخباری و انشایی) و ...

## فصل دو - حجیت سنت قولی:

### درآمد: مناشی و مبانی حجیت سنت:

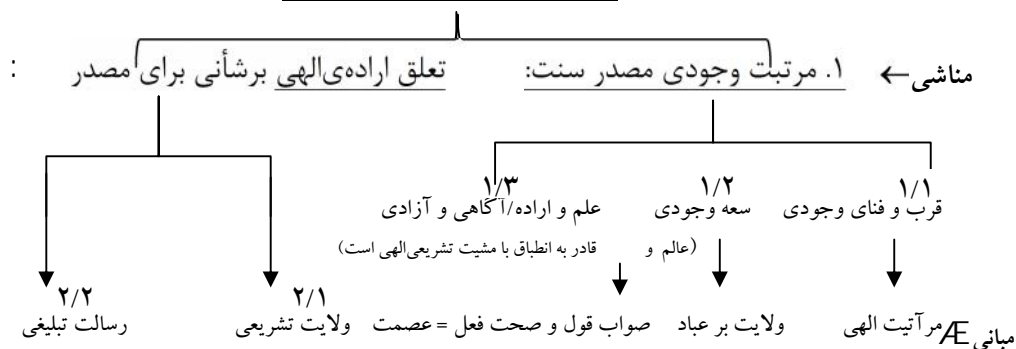
مبنا (یا مبانی حجیت) عبارت است از علت (یا عللی) که استناد دریافت دین به مدارک، یا کاربرد مدارک را در درک دین توجیه می‌کند. مبانی حجیت مدارک به دو قسم تقسیم می‌شود: ۱- عام (مشترک میان چند دال) . خاص.

مبانی حجیت سنت ممکن است از وصفی وجودی یا شأنی شرعی نشئت گیرد؛ به ا منشأ مبانی حجیت سنت (بالمعنی الأعم = قول و فعل هادی) می‌تواند یکی از مبادی زیر باشد: الف. مرتبت وجودی اعطا شده به (یا احراز شده در) مصدر سنت ب. اراده الهی بر جعل شأنی خاص برای مصدر سنت.

احتمالات گوناگونی در باب مناشی و مبانی حجیت سنت قابل طرح و تبیین است؛ هرچند قطعیت هریک از آنها، در گرو کفایت دلایلی است که اقامه می‌شود. احتمالات عمده را به صورت نمودار زیر می‌توان نمایش داد:

(نمودار شماره ۳)

### مناشی و مبانی حجیت سنت:



فرع ۱۰) معنای حجیت سنت قولی

فرع ۱۱) مناشی حجیت سنت قولی:

- |            |   |                                    |
|------------|---|------------------------------------|
| فناى وجودى | } | ۱. مرتبت وجودى مصدر سنت            |
| سعه وجودى  |   |                                    |
| عصمت وجودى |   |                                    |
|            |   | ۲. جعل شأن یا تعلق امر الهی بر ... |

فرع ۱۲) مبانی حجیت سنت قولی:

۱- مرآتیت ناشی از فنا

۲- ولایت ناشی از سعه وجودی

۳- صواب و صحت ناشی از عصمت علمی و عملی

۴- ولایت تشریحی ناشی از جعل الهی

۵- رسالت تبلیغی ناشی از امر الهی.

(مراد، مأموریت ابلاغ ایحاثات غیرقرآنی توسط نبی یا وصی، و تبلیغ تشریحات نبوی توسط

وصی)

فرع ۱۳) د

- فطرت

- وحی.

## فصل سه - روش شناسی احراز یا اعراض:

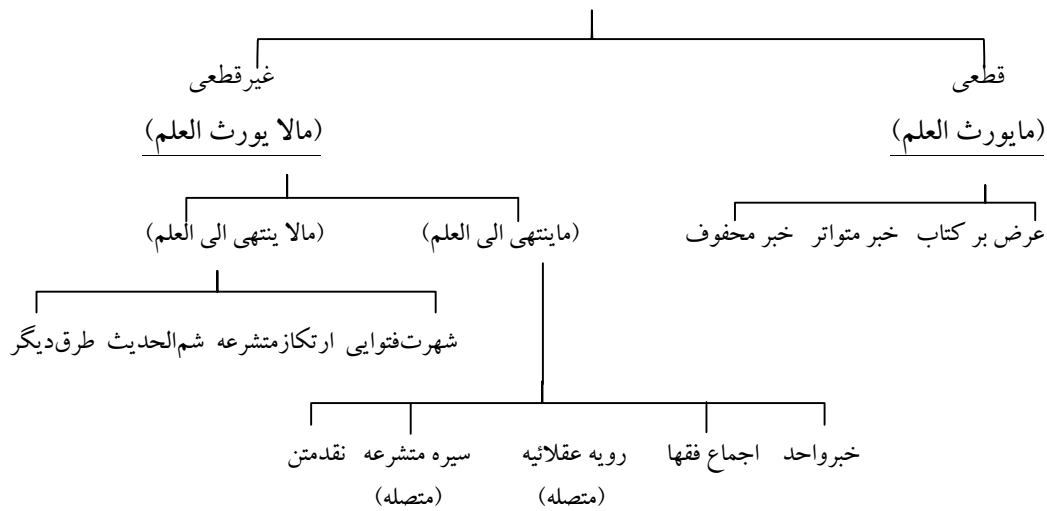
درآمد:

روش‌ها و طرق مطرح شده (معتبر و غیرمعتبر) برای احراز صدور متن منسوب به معصوم یا

اعراض از آن را می‌توان به صورت زیر نمودار کرد:



## روش‌های احراز و ضوابط اعراض



32

فهرست

سوال اول / زمستان

فرع ۱۴) طرق قطعی برای احراز یا اعراض.

فرع ۱۵) طرق ظنی معتبر برای احراز یا اعراض.

فرع ۱۶) وثاقت‌سنجی از رهگذر « ».

فرع ۱۷) تعادل و ترجیح.

فرع ۱۸) قواعد و قرا .

## فصل چهارم: روش‌شناسی فهم سنت قولی (دلالت‌پژوهی و ابراز معنا)

### درآمد

شرح اهمیت روش‌شناختی و معنایابانه توجه به تنیدگی و تأثیر متقا « (اوصاف و شئون معصوم به عنوان مصدر قول) و ماهیت و هویت کلام معصوم از یک سو، و

« طب » (انسان، به دو عنوان مکلف و مفسر) و « و » « م پژوهی » ز سوی دیگر، با « دال‌شناسی » و نیز معنادهی متن و اصول، قواعد و ضوابط معناپژوهی از سوی سوم

۲- بیین فرآیند و جستارهای معناپژوهی: درک مفهوم کلام ← کشف مراد متکم ← ماهیت کلام (شرعانیت یا عقلانیت آن) ← تعیین هویت آن (نوع کلام شرعانی یا عقلانی آن)

۳. بیان اجمالی روش‌ها و اسلوب‌های فهم سنت قولی و تقرب به مراد ماتن.

**فرع ۱۹)** روش مبناشناختی: منظور داشت برآیند و برون‌داد مبانی حجیت و دلالت در فهم

33

تتمت

۱)  
۲)  
۳)

- چستی دلالت و حجیت.

. تعریف و تقسیم اصول و مبانی دلالت و حجیت؛ مشتمل بر اصول هویتی سنت

۲- پیش‌انگاره‌های دلالت سنت و در تفصیل تحقیق این دو قسم به صورت جداگانه مورد بحث قرار خواهد

الف. اصول معطوف به اوصاف و شئون مصدر سنت (مبانی مصدرشناختی):

۱- اصل عصمت ماتن

۲- اصل شأن تشریحی ماتن

۳- اصل حجیت کلام هادوی معصوم (ع)

...

ب. اصول معطوف به خصایل ساختاری، ماهوی و کارکردی متن (مبانی متن):

- خصایل عام متن (مانند: عرفی بودن ساخت زبان، حجیت ظواهر)

۲- خصایل متن مقدس (مانند: شرعانیت، حقانیت و خطاناپذیری)

۳- اصل تعامل دیالکتیکی قول هادی با شبکه حجج دینی در فرآیند دلالت و دلالت‌پژوهی

(معنادهی و معناگری و معناسنجی)

...

ج. اصول معطوف به خصایص محتوایی سنت قولی (مبانی مضمون):

- اصل مکتب‌وارگی و انسجام تعالیم معصومان (ع)

۲- اصل حکیمانگی و معقولیت تعالیم معصومان (ع)

۳- اصل غایتمندی و هدایت مآلی تعالیم معصومان (ع)

د. اصول معطوف به صفات و صلاحیت‌های مخاطب سنت قولی (مبادی انسان):

- ۱- اصول مبتنی بر صفات انفسی «انسان به مثابه مفسر»
- ۲- اصول مبتنی بر صلاحیت‌های آفاقی «انسان به مثابه مفسر»
- ۳- اصول مبتنی بر خصای بشری «انسان به مثابه مکلف». (اقتضائات حیات طبیعی اجتماعی آدمی)

**فرع ۲۰** روش محیط‌شناختی: محیط کاوی صدور کلام، با نظر داشت:

- ۱- اسباب الصدور (مانند سزال غیر، فعل غیر و . . .)
- ۲- ظرف تاریخی صدور
- ۳- ظرف سیاسی صدور (قبض و بسط اجتماعی زمان صدور)
- ۴- ظرف زمانی صدور (مانند کاربردها و معانی مفردات، تلقی ترکیب‌ها و جمله‌ها، زبانزدها و نیز فضاها و معنایی متن در زمان صدور)
- ۵- ظرف اجتماعی و عرفی صدور (عادات و رسوم، حسن و قبح عرفی عصر و مصر صدور کلام)

۶- ظرف جغرافیایی صدور

۷- حد و نوع عقلانیت طرف خطاب در مجلس صدور:

۷/۱- از لحاظ علمی و سطح درک

۷/۲- از حیث بینش عقیدتی

۷/۳- از جهت گرایش سیاسی.

**فرع ۲۱** روش موضوع‌شناختی: بررسی کلام با لحاظ مختصات مخاطب (یا مخاطبان)

صدور.

**فرع ۲۲** روش نگرش تطبیقی انتقادی: بررسی تطبیقی و انتقادی مدلول متن سنت قولی (با

لحاظ مدلول‌های کتاب، عقل، فطرت، فعل و سایر منابع موجه و . . . براساس قواعد و قرا مربوط).

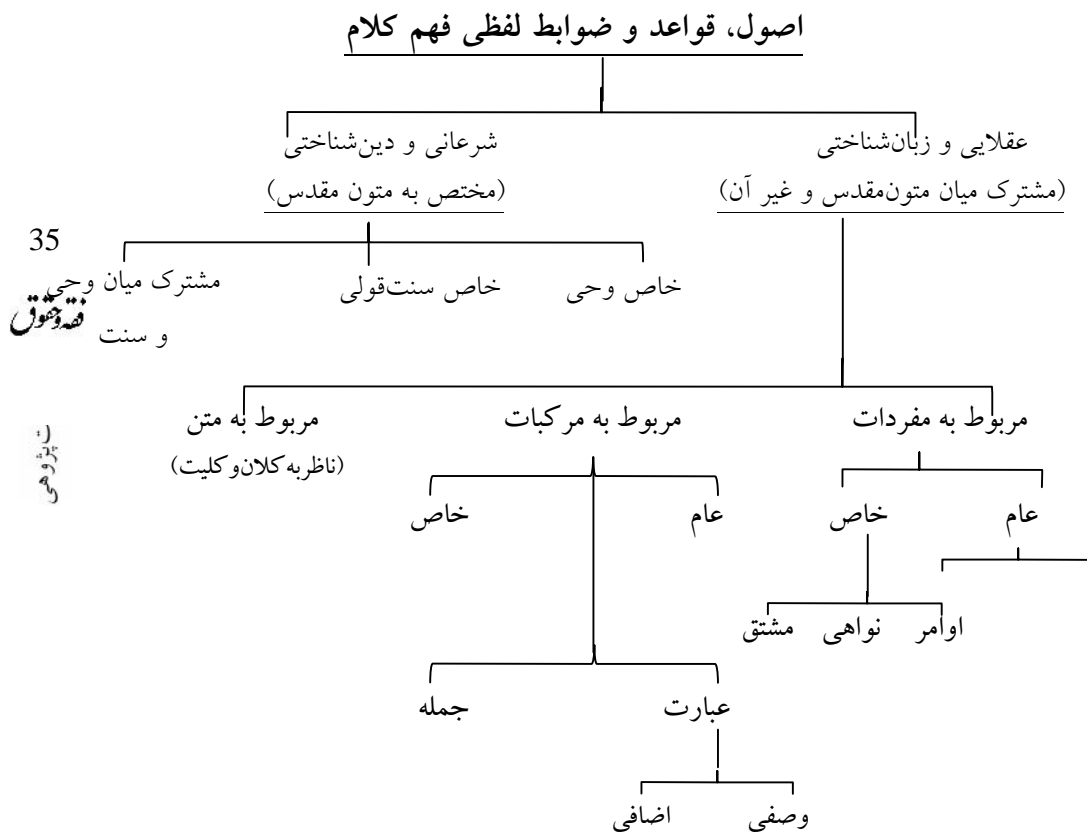
**فرع ۲۳** روش لفظ‌شناختی: بررسی لفظی متن با کاربرد قواعد و قراین ادبی لغوی فهم کلام.

تذکار: ممکن است گاه برآیند کاربرد هر یک از اسلایب روش‌های پنج

اعراض از مدلول متن منسوب باشد.

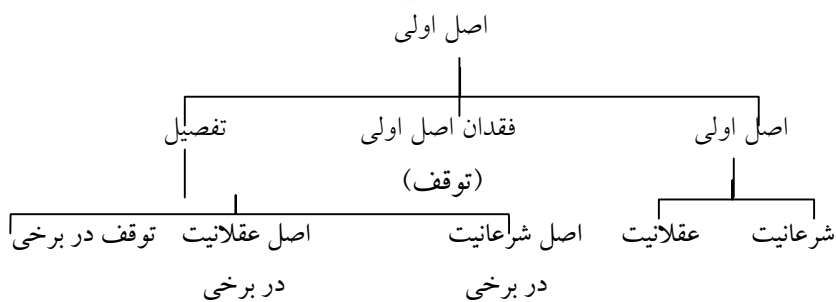
اصول، قواعد و ضوابط لفظی فهم کلام را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

(نمودار شماره ۵)



**فرع ۲۴) اصل اولی در قول مبهم الماهیه و مجهول الوجه:**

الف - بررسی اصل اولی در قول مبهم الماهیه (مقام تردد بین شرعانیت و عقلانیت قول)



ب. اصل اولی در قول مجهول الوجه (تردد بین وجوب و ندب، . . .).

### فصل پنج: ارزش سنجی معرفتی و گستره دلالی سنت قولی:

#### درآمد

فرع ۲۵) ارزش

فرع ۲۶) گستره دلالی معرفتی سنت قولی (کارکردهای سنت).

فرع ۲۷) نسبت سنجی سنت قولی با سایر دوال و حجج دینی.

36

فهرست

### فصل شش: روش شناسی کاربرد سنت قولی:

#### درآمد

فرع ۲۸) روش شناسی (و قواعد) کاربرد سنت در فهم دین.

فرع ۲۹) ضوابط حاکم بر روش های کاربرد سنت.

فرع ۳۰) موانع کاربرد و کارآیی سنت قولی (آسیب).

سوال اول / زمستان

### بخش سوم: سنت فعلی (فعل هادی)

درآمد - با لحاظ موارد اشتراک دو سنت، از طرح مجدد برخی مباحث مندرج در بخش پیشین،

احتراز می گردد.

### فصل یک: فلسفه فعل

فرع ۱) ماهیت، مبادی و انواع فعل.

فرع ۲) فعل معصوم.

انواع فعلی (علی‌الاطلاق) صادر از معصوم را می‌توان به صورت نمودار زیر نشان داد:

37

تتمت

ر  
ن  
م



فرع ۳) تعریف فعل هادی: (كُلُّ مَا كَانَ عَنِ الْمَعْصُومِ دَالًّا عَلَى رَأْيِهِ بِمَا هُوَ هَادٍ، مِنْ حَرَكَةٍ وَ تَرْكٍ أَوْ تَقْرِيرٍ).

فرع ۴) اقسام فعل هادی.

### فصل دو - حجیت فعل هادی:

فرع ۵) معنای حجیت فعل هادی.

فرع ۶) مناشی حجیت فعل هادی.

فرع ۷) مبانی حجیت فعل هادی.

فرع ۸) دلایل حجیت فعل هادی.

38

فهرست

### فصل سه - طرق احراز صدور فعل هادی:

فرع ۹) طرق احراز فعل هادی.

### فصل چهار - روش ابراز معنای فعل هادی:

فرع ۱۰) روش شناسی درک مدلول (ابراز معنای) فعل هادی.

فرع ۱۱) اصل اولی در فعل مجهول الماهیه.

فرع ۱۲) اصلی اولی در فعل مبهم الحیثیه.

فرع ۱۳) اصل اولی در فعل مجهول الوجه.

فرع ۱۴) سنخ شناسی دلالی فعل هادی.

### فصل پنج - ارزش معرفتی و گستره ی دلالی فعل هادی:

فرع ۱۵) ارزش سنخی معرفتی فعل هادی.

فرع ۱۶) گستره ی دلالی فعل هادی.

فرع ۱۷) نسبت سنخی فعل هادی با سایر دوال و حجج دینی.

## فصل شش - روش‌شناسی کاربرد فعل هادی:

فرع ۱۸) روش‌شناسی (و قواعد کاربرد فعل هادی در استنباط).

فرع ۱۹) ضوابط حاکم بر روش‌های کاربرد سنت فعلی.

فرع ۲۰) موانع کاربرد و کارایی فعل هادی (آسیب).

### خاتمه و خلاصه:

حجیت سنت معصوم، از سویی مایه غنای مدارک دینی برای درک مشیت تکوینی و تکلیفی الهی گشته و از دیگرسو با توجه به کارکردهای گوناگون آن امکان فهم کتاب را که مدرک اصلی دیانت اسلامی است فراهم ساخته است و از سوی سوم صدور تدریجی سنت در بوته و بستر عینی حیات مسلمانان به انطباق‌پذیری شریعت با شرایط متفاوت و متطور مدرسانده است. اساسی پژوهی عبارت است از اقسام سنت روش‌شناسی احراز صدور یا اعراض از آن؛ ۳- روش‌شناسی ابراز معنای سنت و کاربرد آن در فهم مشیت الهی.

اکثر تعاریف ارایه شده از سوی ارباب فن برای سنت دقیق نیست؛ ن مطالعات سنت‌شناسی درگذشته بر مسایل سنت قولی متمرکز بوده است و به مباحث افعال معصوم در حد کفایت پرداخته نشده است، و به رغم اهمیت سنت فعلی، در مقام استنباط حکمت عملی دین، نحو درخوری به سیره و فعل هادوی معصوم اعتنا نمی‌شود.

پاره‌ای مشهورات به عنوان اصول و قواعد، در روش‌شناسی احراز و روش‌شناسی ابراز سنت مسلم انگاشته شده است اما نیازمند نقد و بازپژوهی است؛ برای رفع کاستی‌های موجود باید پژوهش‌های جدیدی صورت بگیرد، ازاین‌رو در این مقاله پیشنهادها و نظراتی متفاوت پیش روی ارباب فن نهاده شد، از جمله:

( «عریف سنت به «ما صدر عن المعصوم دالاً علی رأیه بما هو هاد»

مؤلف معتقد است: هر یک از قول و فعل معصوم، علاوه بر تقسیم کلی « و «تدبیری»، در مجموع به حدود بیست نوع تنويع و تفریع می‌گردد. همه انواع اقوال و افعال معصومان(ع) در زمره « بی» قرار نمی‌گیرد.

دو لزوم تفکیک سنت قولی و سنت فعلی به مثابه دو حجت مستقل، به دلیل تفاوت‌های فراوان آن دو و نتایج علمی و عملی ارزشمندی که بر این تفکیک مترتب است

سه) ضرورت سامان‌دهی و به کارگیری روش « ن » و « بازکاوی تطبیقی ظروف صدور » و سایر اسلوب‌ها در وثاقت‌سنجی حدیث (علاوه بر کاربرد روش « » برای احراز صدور)

چهار) لزوم تهیه اطلس جامع احادیث، برای احراز صدور سنت و شناخت نوع قول و فعل و نیز ابراز معنای سنت، براساس مطالعات بینارشته‌ای و چند تخصصی پنج) بایستگی بازکاوی علمی ادعیه، مناجات‌ها و زیارات مأثوره (که بخش مهمی از سنت معصوم است) و استخدام آن در استنباط گزاره‌ها و آموزه‌های دینی

شش) بسنده نکردن به « روش » در دلالت‌پژوهی و ابراز معنای سنت، لزوم سازمان‌دهی و کاربرد روش‌های دیگری مانند «روش میناشناختی» «شیوه محیط‌شناختی صدور» «اسلوب موضوع » و «روش نگرش بیقی انتقادی» برای فهم سنت. از هرگونه نقد علمی درباره نظرات مطرح شده در مقاله استقبال می‌شود.

## منابع

۱- مانند اقوال و افعالی از انبیا(ع) که معصوم آن را نقل کرده و به آن تمسک جسته است و چنین احادیثی در منابع روایی ما که با سند موثق نیز نقل شده است کم نیست.

الهدی، سیدمرتضی ( ۳۵۵-ق)، الذریعه، ج ص .

۲- میرازی قمی ( ۱۳۲ ق)، قوانین الاصول، ص ..

( - ۶۰' ق)، معارج الاصول، ص ۱۳ - آقاضیا، عراقی ( - ق)،

آقاضیا، مقالات الاصول، ج ص ( - ۳۸۵ ق)، عدة الاصول، ج ص 41

قصه حقوق

محقق حلی. معارج الاصول، ص (۷۴۶-۶۴۸ ق)، التذکره باصول الفقه، ص

اول ( ن)، ذکری، ص : - ابن الشهید الثانی ( ۱۰۱ ق)، معالم الاصول، ص ' - میرزای

قمی، قوانین الاصول، ص .

علم الهدی، سیدمرتضی، الذریعه، ج .

۱)  
۲)  
۳)

( - ۱۱۰ ق)، مفاتیح الاصول، ۴۹۰ - مظفر، محمدرضا ( -

۱ ق)، اصول الفقه، و .

الاصول، ص .

۸- سورة المائدة ( ):

- احمد بن ( ۲ ق) مسند، ص ۱۳ سجستانی، سلیمان بن؟؟؟ ( ق)، سنن

ابی داود، حدیث .

۱- ابوالحسن مسلم حجاج ( ق)، صحیح مسلم، ج ص ، الرقم

عیسی بوغی ترمذی ( ۲' ق)، سنن الترمذی، ج ص .

علم الحدیث یا علوم الحدیث مشتمل بر رشته‌ها یا دانش‌های گوناگونی است از جمله:

روایة الحدیث، درایة الحدیث، علم الرجال، الجرح و التعديل، علل الحدیث، غریب الحدیث،

مختلف الحدیث و ...

۱۲- شیخ طوسی، عدة الاصول، ج ص .

تونى، عبدالله ( ۱۰۷۱ ق)، الوافیة فی اصول الفقه، الباب الثالث، الفصل الثالث،

ن .

- ۱۴- میرزای قمی، قوانین الاصول، ص .
- ۱- شیخ انصاری، مرتضی ( ۱۲۱۴-ق)، فرائد الاصول، ج ص .
- ( ۱۳ ق)، الاصول العامة للفقهاء المقارن، ص .
- ۱۷- در نمودارهای شماره ۲ و شماره ۶ در همین مقاله، انواع هر یک از قول و فعل صادر از معصوم نمایش داده شده است.
- ۱۸- البته اگر دلالت بر اباحه‌ی ترک و فعل را نیز تشریح بدانیم، کلمات و کردارهای بیشتری وجه تشریحی - هرچند به نحو کلی و ثانوی - پیدا می‌کند، اما در تشریحیت و حکمیت اباحه جای بحث بسیار است.
- ۱۹- مانند تعبیر رسول اکرم(ص): «مَنْ أَحْيَى أَرْضاً مَيْتَةً فَهِيَ لَهُ» (بنا به یک احتمال).
- ۲۰- مانند قول نبی اکرم(ص) در پی شکایت هند، همسر ابی سفیان که فرمود: «خذی، لک ما یکفیک بالمعروف» (بنا به یک احتمال).
- ۲۱- مانند اقامه صلوات یومیه در امتثال امر «اقم الصلوة».
- ۲۲- مانند اکل و شرب و نوم و استیقاظ و . . .
- ۲۳- مانند وجوب تهجد، اباحه وصال، و نکاح افزون بر چهار زوجه دائم به صورت هم‌زمان.
- ۲۴- میرزای قمی، قوانین الاصول، ص .
- ۲۵- حکیم، محمدتقی، الاصول العامة، ص .
- ۱- همان.
- ۱- پاره‌ای از نکات این قطعه را وام‌دار نظرات حضرت امام خمینی(س) در رساله «طلب و اراده» نیم؛ (طلب و اراده، ترجمه سیداحمد فهری، ص ۱۰۸-). هرچند نکات و نظام آمده در مقاله مانند شمار و چینش «مبادی و مراحل» و «اشتراک فعل ایجادی و امساکی در برخی مبادی» «توجیه دلالت‌گری فعل امساکی»، با نظر مشهور فلاسفه تفاوت‌هایی دارد؛ به نظر این سامانه پیشنهادی کامل‌تر و دقیق‌تر است.
- ۲۸- مراد تعیین مختصات محیط و ظروف صدور سنت قولی و سنت فعلی منقول در جوامع حدیثی، براساس مطالعه بینارشته‌ی چند تخصصی است.
- ( ) : و .
- هود ( ) : .

آل عمران ( ):

النحل ( ):

( )، وسائل الشیعه، ج ۱۱: ابواب صفات القاضی، ب و و

و . . . و

۳۴- آیاتی مانند: يدبر الأمر يفصل الآيات لعلكم بلقاء ربكم يؤقنون (الرعد (۱۱): ۲)، هذا بصائرٌ للنَّاسِ وهدى ورحمةٌ لقومٍ يؤقنون (الجاثية ( ) : ).

۱- رشاد، علی اکبر، فلسفه دین، ۸۲ تا ۱۴۰، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

اسلامی، تهران، .